

# اصول و قالب‌های تدریس احکام (۴)

عبدالرحیم موکبی

۶. قلمرو احکام؛
  ۷. انواع احکام؛
  ۸. شرایط احکام (شرایط وجوب، صحت، قبول و کمال)؛
  ۹. ملاکات و مناطات احکام؛
  ۱۰. فلسفه احکام؛
  ۱۱. تعبد در احکام؛
  ۱۲. روش استنباط احکام (علم اصول فقه)؛
  ۱۳. تراحم احکام؛
  ۱۴. تطوّر و تبدل احکام و مقتضیات زمان و مکان؛
  ۱۵. کتاب‌های احکام (کتاب اربعه و ... )؛
  ۱۶. علت اختلاف مراجع تقلید در فتاوا و احکام.
- اگر بحث «مقدمات احکام» به خوبی تدریس شود، می‌تواند زیربنای فکری مقلدان و شاگردان را در درس احکام تصحیح کند و رشد دهد.

۲. خودداری از گفتن پاسخ‌های احتمالی و ظنی  
یکی از نکات بسیار مهم شرعی و اخلاقی که معلم احکام باید بیش از اندازه به آن توجه کند، این است که در صورت ندانستن جواب مسأله‌ای به طور «قطعی و یقینی» از پاسخ به آن خودداری ورزد. اگرچه پاسخ آن مسأله را به طور «احتمالی» و یا حتی «ظنی» بداند؛ زیرا ممکن است شنوندگان حتی نسبت به مسائلی که استاد احکام با علم و یقین نیز گفته است، تردید و تشکیک کنند. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ فَتَنْتَهَمُ بِإِخْبَارِكَ بِمَا تَعْلَمُ .  
«آنچه را علم نداری، نگو؛ زیرا در دیگر گفته‌هایت که از روی علم نیز است، بدنام می‌شوی.»

همچنین می‌فرماید:

## اصول و قالب‌های تدریس احکام

در شماره‌های پیش به چند اصل از اصول تدریس احکام اشاره کردیم. اینک به بیان اصولی دیگر می‌پردازیم که عبارتند از:

۱. آموزش «مقدمات احکام»  
گاه ممکن است شاگرد از استاد احکام بپرسد: «چرا نماز صبح دو رکعت، نماز مغرب سه رکعت، نماز ظهر و عصر و عشا چهار رکعت است؟»  
یا: حکم تکلیفی، وضعی، اولیه، ثانویه، وجوب عینی، وجوب کفایی، وجوب تعیینی، وجوب تخییری و ... به چه معنی است؟  
یا: آیا احکام اسلام می‌توانند پاسخگوی مقتضیات زمان و مکان باشند؟  
یا: منابع و ادله احکام چه چیزهایی هستند؟  
یا: تعبد به چه معنی است؟  
یا: چرا مراجع تقلید با یکدیگر اختلاف فتوا و نظر دارند؟  
سؤالاتی از این قبیل که باید استاد احکام در هنگام نیاز و ضرورت، متناسب با مخاطبان بحثی به نام «مقدمات احکام» را که پاسخگوی چنین سؤالاتی است، مطرح کند و آموزش دهد. به این منظور، چون مباحث «مقدمات احکام» مفصل است، فقط به ذکر فهرست آن‌ها می‌پردازیم تا هر استاد احکامی خود در پی یادگیری و یاددهی آن‌ها باشد:
۱. تعریف احکام؛
۲. ضرورت فراگیری احکام؛
۳. آثار و فواید آموختن احکام؛
۴. ادوار و سیر احکام (دوره تشریح و دوره تفریع)؛
۵. منابع احکام (کتاب، سنت، اجماع و عقل)؛

وَلَا يَسْتَحِينُ أَحَدٌ مِنْكُمْ إِذَا سئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا  
أَعْلَمُ...<sup>۱</sup>

«هرکس از شما، اگر چیزی را از او پرسند که نداند، باید شرم نکند که گوید ندانم.»

از این رو، هر استادی - به ویژه استاد احکام - باید در گفتن کلمه «نمی دانم» شهامت داشته باشد و خجالت نکشد. یکی از استادان احکام در همان جلسه نخست کلاس خود به شاگردان تذکر می داد که اگر پاسخ مسأله ای را نداند، به آنان خواهد گفت: «نمی دانم.» و با این تذکر خیال خود و شاگردان را راحت می کرد. او از گفتن این تذکر هیچ ترس و واهمه ای نیز نداشت و آن را بر بی سوادی خود حمل نمی کرد.

یکی از استادان می فرمود: «خدمت علامه طباطبایی رحمه الله رسیدم. از ایشان سؤالی کردم. در پاسخ فرمودند: اگر بگویم «نمی دانم» اشکال ندارد؟»

یا یکی از دوستان نگارنده می گفت: «در نجف خدمت حضرت امام خمینی قدس سره رسیدم و از ایشان مسأله ای را پرسیدم. امام در پاسخ فرمودند: من نیز مانند شما، پاسخ این مسأله را نمی دانم. فردا مطالعه می کنم و پاسخ آن را به شما می گویم.»

یا در حالات شیخ انصاری رحمه الله، مرجع تقلید بزرگ شیعه می خوانیم: «هنگامی که در درس از او سؤالی می کردند و جواب آن را نمی دانست با لهجه محلی و با صدای بلند سه بار می فرمودند: ندوئم، ندوئم، ندوئم.»<sup>۲</sup>

همچنین استاد احکام باید توجه داشته باشد که در پاسخ به سؤالات شرعی از به کارگیری کلماتی مانند «احتمالاً»، «ظاهراً»، «تقریباً»، «به نظرم می آید»، «اگر اشتباه نکنم»، «فکر می کنم این طور باشد»، «شاید این چنین باشد»، «حدس می زنم این گونه باشد»، «به گمانم این چنین است» و ... پرهیز کند؛ زیرا امام باقر علیه السلام می فرماید:

مَنْ أَقْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى لِعَمَلِهِ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَ  
مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ وَ لِحَقِّهِ وَرَزُّ مَنْ عَمِلَ بِفِتْيَاهُ.<sup>۳</sup>

«هرکس مسأله و نظری را بدون علم، دلیل و راهنمایی به مردم بگوید، فرشتگان رحمت و عذاب او را نفرین کنند و گناه هر کس که به این مسأله و نظری عمل کرده است، دامنگیرش شود.»

آری! شاید یکی از دشواری های آموزش و تدریس احکام، رعایت همین اصل باشد. مثلاً اگر از استاد احکامی پرسند: «آخر وقت نماز عصر، غروب است یا مغرب؟» در پاسخ نگوید: «حدس می زنم و فکر می کنم غروب

باشد.» چون بین غروب آفتاب تا اذان مغرب، گاهی ده تا پانزده دقیقه و شاید بیش تر، فاصله زمانی هست. اگر آخر وقت نماز عصر، مغرب باشد - که هست<sup>۴</sup> - باید در این فاصله زمانی، نماز را به نیت ادا خواند و نه قضا.

چندی پیش، استادی تدریس احکام داشت. چندین بار در ضمن درس در برابر سؤالاتی که پاسخ آن ها را نمی دانست، گفته بود: «نمی دانم». در پایان دوره، یکی از شاگردان نظر خواهی خود نوشته بود: «همین که در پاسخ برخی سؤالات می گفتید «نمی دانم»، برای ما درس و الگوی بسیار جالبی بود.» آری:

تا نیک ندانی که سخن عین صواب است  
باید که به گفتن دهن از هم ننگشایی

البته رعایت این اصل نباید سبب شود که استاد احکام، مطالعه نکند و در پی کسب تسلط علمی بر مسائل شرعی نباشد.

### ۳. تصحیح اشتباهات

گفته اند: «انسان جایز الخطاست.»

ولی برخی می گویند: «این سخن، خود خطاست؛ بلکه انسان واجب الخطاست.»

از این رو، معلم احکام ممکن است برخی مسائل شرعی را اشتباه بیان کند و این جای شگفتی نیست. شگفتی آن جاست که اشتباه خود را تصحیح نکند و از ترس این که مبادا آبروی علمی او ریخته شود، از این کار خودداری ورزد. وقتی می خوانیم: «هنگامی که مجتهد و مرجع تقلید در بیان فتوایش اشتباه کند، بر او واجب است که اعلام کند.»<sup>۵</sup>

پس آیا ما به عنوان مقلد نباید اشتباهات خود را تصحیح و اعلام کنیم؟ هنگامی که در مسأله ۱۳ رساله توضیح المسائل می خوانیم: «اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری بگوید، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود، لازم نیست به او خبر دهد که فتوا عوض شده است، ولی اگر بعد از گفتن فتوا بفهمد که اشتباه کرده است، در صورتی که ممکن باشد، باید اشتباه را برطرف کند.»

پس آیا بر ما واجب نیست مسائلی را که در آموزش و تدریس به صورت اشتباه بیان کرده ایم، تصحیح و اعلام کنیم؟ نکته این جاست که ما باید در پیشگاه خدا روسفید و از شب اول قبر هراسناک باشیم.

یکی از شاگردان حضرت آیت الله سلطانی رحمه الله می گوید: «روزی ایشان مطلبی را بیان فرمود و ما هم گوش

کردیم. ایشان فردای آن روز آمد و گفت: «آن مطلب دیروزی را اشتباه گفته ام.» حدود بیست دقیقه درباره اشتباه خودشان صحبت کرد و تذکر داد که: «اشتباه کردن مانعی ندارد؛ مهم این است که انسان اشتباهش را جبران کند و شهامت برگشتن را داشته باشد.»<sup>۷</sup>

به این جهت، چنانچه استاد هنگام تدریس احکام اشتباهی کرد و در همان جلسه متوجه آن شد، شایسته است که در همان وقت، اشتباه خود را تصحیح کند؛ زیرا ممکن است برخی از شاگردان در جلسه یا جلسات آینده در کلاس حضور نیابند و آن اشتباه در ذهن آنان باقی بماند. چنانچه پس از کلاس متوجه آن اشتباه شد، شایسته است که در اسرع وقت و مثلاً در جلسه بعد، آن اشتباه را تصحیح کند.

نگارنده، استاد احکامی را می شناسد که چون حکمی را اشتباه گفت، در اسرع وقت آن را تصحیح کرد. مثلاً در کلاسی، یکی از شاگردان از او پرسید: «اگر بچه خردسالم به نوشته های قرآن دست بزند، وظیفه ما چیست؟»

استاد در پاسخ گفته بود: «اشکالی ندارد.»

اما بعداً که به رساله توضیح المسائل، مسأله ۳۱۸ مراجعه کرده بود، مسأله را به این مضمون دیده بود: «جلوگیری بچه از مس خط قرآن واجب نیست؛ ولی اگر مس نمودن او بی احترامی به قرآن باشد، باید از مس نمودن او جلوگیری کرد.»

در نتیجه او در جلسه بعد، سخن خود را تصحیح و صورت «بی احترامی به قرآن» را ذکر کرده بود.

باید توجه داشت که گاه تصحیح اشتباه به وسیله شاگرد انجام می گیرد؛ مثلاً استاد مسأله ای را اشتباه بیان می کند و شاگرد متوجه اشتباه او می شود و به استاد تذکر می دهد. در این صورت نیز استاد باید بدون هیچ غروری و در کمال فروتنی آن را بپذیرد و شکل صحیح آن مسأله را به شاگردان خود بگوید:

تواضع است دلیل رسیدگان به کمال

که چون سوار به مقصد رسد پیاده شود

یکی از شاگردان شهید استاد مطهری رحمه الله می گوید: «کم تر اتفاق می افتاد که استاد در هنگام درس اشتباه کند؛ ولی اگر چنین می شد و در مکتب، اگر یکی از شاگردان اشتباه ایشان را یادآوری می کرد، می پذیرفت و هیچ گاه سراغ ندارم که در اشتباه خود پافشاری و مطلب را به زور تحمیل کرده باشد.»<sup>۸</sup>

#### ۴. بیان احکام گوناگون و متنوع

یکی از اشکالاتی که گاه شاگردان در احکام مطرح

می کنند، این است که هر استادی احکام را برای ما تدریس می کند، تنها به مسائل طهارت، وضو، غسل، تیمم و نماز می پردازد. از مسائل شرعی دیگر ما را آگاه نمی کند. این، واقعیت و انتقادی است که باید آن را پذیرفت.

از این رو، مدرّس احکام باید توجه کند که علاوه بر مسائل مذکور، احکام گوناگون و متنوع دیگری از قبیل مسائل اخلاقی، اقتصادی، تربیتی، اجتماعی، سیاسی، خانوادگی، هنری، پزشکی، بهداشتی و... وجود دارد که با کمی پشتکار و حوصله، می توان آن ها را یافت و به شنوندگان و شاگردان خود آموزش داد و برای آنان تدریس کرد. مثلاً در مسائل اخلاقی، حکم «غیبت بجهت ممیز که خوب و بد را می فهمد»، در مسائل تربیتی، حکم «تنبیه شاگرد به وسیله معلم با انگیزه های تربیتی»، در مسائل خانوادگی، حکم «تنظیم خانواده و کنترل موالید»، در مسائل بهداشتی، حکم «رفتن به مسجد با پای آلوده و کشیفت به طوری که مسجد آلوده شود و بوی آن، مؤمنان را اذیت کند»، در مسائل هنری، حکم «بازیگری در نقش ائمه معصومین علیهم السلام»، در مسائل اجتماعی، حکم «حجاب و نگاه» و در مسائل سیاسی، حکم «تبعیت مجتهدان و مقلدان از حکم ولی فقیه» را بیان کند.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَأَفَ الْحِكْمِ.

این دل ها نیز خسته می شوند؛ آن سان که کالبدها خسته می شوند. پس برای (آسایش) آن ها حکمت های تازه و نو بجوید.<sup>۹</sup>

این حدیث، حدیثی است که باید سرلوحه کار استادان- به ویژه استادان احکام- قرار گیرد. به راستی آیا یکی از علت های خستگی شاگردان و شنوندگان، تکرار و یکنواختی و عدم تنوع در بیان مسائل شرعی نیست؟ آیا تنوع یکی از عوامل جاذبه درس و عدم تنوع یکی از علل دافعه درس نیست؟

#### ۵. پرهیز از ذکر ادله اصولی و فقهی احکام

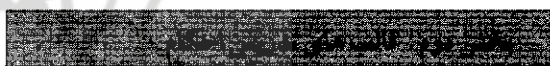
فقه و احکام اسلام بر دو گونه است:

۱. استدلالی؛

۲. غیر استدلالی.

فقه استدلالی که در آن به ادله اصولی<sup>۱۰</sup> و فقهی حکم، اشاره و استناد می شود، معمولاً برای طلاب علوم دینی است که می خواهند در حوزه های علمی مسیر اجتهاد را طی کنند. فقه غیر استدلالی برای کسانی است که چنین مسیری را طی نمی کنند

و غالباً معلمان احکام برای چنین افرادی تدریس می کنند. از این رو، درس و بحث احکام برای مقلدین، یک بحث استدلالی نیست تا نیازی به آوردن دلیل باشد. پس شایسته است که در هنگام آموزش و تدریس از بیان ادله اصولی و فقهی احکام خودداری شود. البته در موارد استثنایی و نادری که زمینه استفاده و ضرورت فراگیری آن وجود داشته باشد و شرایط مخاطبان ایجاب کند و استاد به دلیل ادله اصولی و فقهی حکمی یقین داشته باشد، ذکر ادله اصولی و فقهی احکام در حد ضرورت مانعی ندارد. مثلاً این که در پاسخ به این سؤال شاگرد که: «اگر کسی می داند و یقین دارد که وضو گرفته است، الان شک می کند که آیا وضو دارد یا نه؟» به او گفته نشود: «لا تَنْقُضِ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ»؛ یعنی یقین را با شک نقض نکن! و اصل «استصحاب» را جاری کن و بگو وضو دارم و مثلاً نمازت را بخوان. یا در پاسخ به این سؤال شاگرد که: «اگر استعمال آب وضو برای کسی ضرر داشته باشد، به او گفته نشود: «لا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ»؛ یعنی ضرر دیدن و ضرر به هم رساندن در اسلام نیست! و قاعده «لا ضَرَرَ» را جاری کن و وضو نگیر و به جای آن تیمم کن.»



در شماره های پیشین، سه قالب از قالب های تدریس احکام، یعنی داستان، شعر و معماً را بیان کردیم. اینک به یکی دیگر از قالب های تدریس احکام می پردازیم و آن عبارت است از:

#### پانتومیم

پانتومیم، انجام دادن حرکاتی بدون استفاده از کلام و گفتار است که مفهوم و معنی خاصی را به بیننده نشان می دهد و به او منتقل می کند.

برای تدریس و بیان احکام می توان از این قالب نیز استفاده کرد و در شاگردان به ویژه کودکان و نوجوانان تأثیر خوب و مثبتی را گذاشت. مثلاً استاد می تواند روبه شاگردان بایستد و به آنان بگوید: «من به صورت پانتومیم نماز می خوانم و شما بگویند این چه نمازی است؟»

آن گاه استاد بدون هیچ گونه استفاده ای از کلام و گفتار و با ذکر این نکته که: «در رکعت دوم نماز است»، و با حرکت دادن لب هایش نشان می دهد در حال خواندن حمد و سوره است، و پس از مدتی ایستادن به رکوع می رود، سپس از رکوع برمی خیزد و می ایستد و قنوت می گیرد، البته هیچ گونه حرفی نمی زند و همه این کارها را به صورت حرکات و نمایش انجام می دهد. آن گاه از شاگردان می پرسد: «این چه نمازی است و یا این

حرکت، یعنی قنوت پس از رکوع چه هنگامی اتفاق می افتد؟» که پاسخ آن یکی، نماز جمعه است و دیگری هنگامی است که نماز گزار قنوت را فراموش کرده است و در رکوع یادش می آید. در این صورت، می تواند پس از رکوع بایستد و قنوت نماز را قضا کند و بخواند.

یا مثلاً استاد می تواند به صورت نیم خیز (تجافی) روی زمین بنشیند؛ یعنی انگشتان دست و سینه پا را به زمین بگذارد و زانوها را بلند نگه دارد و از شاگردان بپرسد: «این چه نمازی است؟ و این کار چه هنگامی اتفاق می افتد؟»

که پاسخ آن، نماز جماعت است و این کار هنگامی اتفاق می افتد که امام جماعت یا در رکعت دوم یا در رکعت آخر نماز است و تشهد می خواند و مأوموم یک رکعت از امام جماعت عقب تر است؛ مثلاً در نماز صبح، دو رکعت عقب تر است؛ مثلاً در نماز مغرب سه رکعت عقب تر است؛ مثلاً در نماز عشا.

● یا مثلاً استاد می تواند به صورت پانتومیم، صورت یا دست های خود را از پایین به بالا بشوید و از شاگردان خود اشتباه این کار را بپرسد.

● یا مثلاً در مسح سر، به صورت پانتومیم نشان دهد که سر حرکت می کند؛ ولی دست ثابت مانده است و از شاگردان اشتباه مسح خود را بپرسد.

● یا مثلاً در حالی که انگشتر به دست دارد، به صورت پانتومیم تیمم را انجام دهد و از شاگردان اشتباه تیمم خود را بپرسد.

● یا مثلاً استاد به صورت پانتومیم و با حرکت دادن لب هایش نشان دهد که در حال خواندن حمد و سوره نماز است؛ ولی صورت خود را به طرف راست یا چپ قبله برمی گرداند و از شاگردان اشتباه این کار را می پرسد.

● یا مثلاً به صورت پانتومیم نشان دهد که در حال رکوع و خواندن ذکر آن است؛ ولی بدن او حرکت می کند و پایین و بالا می شود. سپس اشتباه آن را از شاگردان بپرسد...

زیرنویس

۱. معجم الفاظ غررالحکم و در الکلم، ص ۲۸۳.
۲. نهج البلاغه... کلمة قصار ۷۹، ص ۱۱۲۳.
۳. نمی دانم...
۴. کافی، ج ۱، ص ۴۲.
۵. رساله توضیح المسائل، مسأله ۷۳۱.
۶. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۶، مسأله ۴۸.
۷. با اقتباس از: مجله حوزه، ش ۳۵، ص ۳۵.
۸. با اقتباس از: جلوه های معلمی استاد مطهری، ص ۶۷.
۹. نهج البلاغه... کلمة قصار ۸۹، ص ۱۱۲۷.
۱۰. منظور ادله ای است که در علم «اصول فقه» به آن اشاره و استناد می شود.